

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۶۰۶۹

## عربی. زبان قرآن (۱)

پاکد ۱۱۰۲۰۶

رشته‌های ریاضی و فیزیک ، علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

کاری از:

منصوره خوشخو

سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳

کانال اَجِبْ الْعَرَبِيَّة

[@OhebboArabic](https://www.instagram.com/OhebboArabic)



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ برگرد

﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾<sup>۹۲</sup> آل‌انبیاء: ۹۲  
بی‌گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)  
التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ إِسْلَامٍ عَلَىٰ مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَىٰ آسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:  
رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری از بی‌ادبی استوار است (بوده است) زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴾<sup>۲۴</sup> فُطُّت: ۲۴  
نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه (می‌بینی) کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا<sup>۲</sup> مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ (مفردش: کافر)  
همانا قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ ﴿ وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ... ﴾<sup>۱۰۸</sup> الانعام: ۱۰۸  
وآن (قرآن) می‌فرماید: کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند... .

الإسلام يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلِهِيَّةَ؛ ﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُكْفِرَ بِهِ شَيْئًا ﴾<sup>۶۴</sup> آل عمران: ۶۴  
اسلام به دین‌های الهی احترام می‌گذارد؛ (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم (یا فقط خدا را بپرستیم) و چیزی را شریک او نگردانیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَىٰ حُرِّيَةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ... ﴾<sup>۲۵۶</sup> البقرة: ۲۵۶  
قرآن بر آزادی عقیده تاکید می‌کند: هیچ اجباری در دین نیست.

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَىٰ نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَىٰ كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا  
سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴾<sup>۳۲</sup> الزوم: ۳۲

اصرار و پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست، زیرا کسی از آن سود نمی‌برد، بر همه مردم لازم است (همه مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا -{ هر حزب و گروهی به آنچه دارد، دلشاد است }- .

۱- فاعبُدوني : ف + أعبُدوا + ن (نون وقایه) + ي (ضمیر)

نون وقایه نونی که میان فعل و ضمیر یای متکلم برای حفظ حرکت آخر فعل فاصله می‌شود.

۲- «لا» در «لا تَسْتَوِي»: لای نفی مضارع / «لا» در «لَا السَّيِّئَةُ»: لای زائد است برای تاکید نفی

۳- نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

۴ و ۵- «لا» در «أَلَّا يَسْبُوا (أَنْ لَا يَسْبُوا): که دشنام ندهند»، «أَلَّا نَعْبُدَ (أَنْ لَا نَعْبُدَ): که نپرستیم وَ لَا نُكْفِرَ»، لای نفی است.

۶- لا + اسم مفتوح، ← به معنای هیچ .... نیست / لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ: هیچ اجباری در دین نیست.

الْبِلَادِ الْإِسْلَامِيَّةِ مَجْمُوعَةً مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.  
کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت‌های بسیار است که در زبان (زبان‌ها) و رنگ (رنگ‌هایشان) فرق دارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (بلند مرتبه) فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَاتُ ۱۳

ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ۱۰۳

قرآن به ما دستور به همبستگی (یکپارچگی) می‌دهد. - {وهمگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید}.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.

همبستگی (یکپارچگی) امت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود. از آن جمله گردهمایی مسلمانان در جای واحد در حج.

الْمُسْلِمُونَ حُمُسٌ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند در مساحتی (پهنایی) گسترده از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِيُّ قُدَّسَ سِرُّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی قُدَّسَ سِرُّهُ فرموده است: هر گاه کسی سخنی گفت که باعث تفرقه مسلمانان شود (هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد)، بدانید که وی یا نادان است یا دانایی است که تلاش می‌کند در بین صفوف مسلمانان اختلاف بگستراند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيَّةِ: وَرَهْرَمَانَ آيَةِ اللَّهِ خَامِنَةَ أَيْ فرموده است:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما کسی را دید که به تفرقه فرا می‌خواند، مزدور دشمن است. (ترجمه مؤلف)

( هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس وی مزدور دشمن است. ) → این هم درسته

برگرد **المعجم**

<p>سواء : یکسان عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ : در گذر زمان عَمِيلٌ : مزدور «جمع: عُمَّال» لَدَى : نزد «لَدَيْهِمْ : دارند» مَعَ بَعْضٍ : با همدیگر مِنْ دُونِ اللَّهِ : به جای خدا، به غیر خدا يَتَجَلَّى : جلوه گر می شود يَجُوزُ : جایز است يَسْتَوِي : برابر می شود يُؤَكِّدُ : تأکید می کند</p>	<p>حَمِيمٌ : گرم و صمیمی خِلَافٌ : اختلاف خُمْسٌ : یک پنجم دَعَا : فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ : فرا می خوانند» ذَكَرَ : مرد، نر فَرِحَ : شاد فَرَّقَ : پراکنده ساخت قَائِدٌ : رهبر «جمع: قَادَة» قَائِمٌ : استوار، ایستاده سَبَّ : دشنام داد سَلِمِي : مُسَالَمَتٌ آمیز «سَلِمٌ : صلح»</p>	<p>أَتَقَى : پرهیزگارترین إِحْتِفَافٌ : نگاه داشتن إِسَاءَةٌ : بدی کردن أَشْرَكَ : شریک قرار داد اعْتَصَمَ : چنگ زد (با دست گرفت) أَكْرَمٌ : گرامی ترین أُنْثَى : زن، ماده تَعَارَفَ : یکدیگر را شناختن لِتَعَارَفُوا : تا یکدیگر را بشناسند تَعَايَشَ : همزیستی داشت حَبَلٌ : طناب «جمع: حَبَال» حُرِّيَّةٌ : آزادی</p>
---	---	--

برگرد **حول النص**

- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ✓ x
- ۱- يَجُوزُ الإِمْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.  
پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی، برای دفاع از حقیقت جایز می باشد. (غلط x)
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.  
پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی استوار است. (صحیح ✓)
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.  
بر همه مردم واجب است که با یکدیگر بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح ✓)
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.  
برخی از ملت ها به علت رنگ بر بعضی دیگر برتری دارند. (غلط x)
- ۵- رُبِعٌ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.  
یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط x)

بیشتر بدانیم: ثلث: یک سوم؛ ربع: یک چهارم؛ خُمس: یک پنجم؛ سُدس: یک ششم و ...



## باز یاد بگیرید

### اشکال الأفعال (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
تفاعُل	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
تفعيل	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ
مفاعلة	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
إفعال	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
۵	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهْ: همانند شو	تَشَابُهٌ: همانند شدن
تفاعُل	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
۶	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
تفعيل	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ
۷	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالِسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
مفاعلة	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
۸	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن
إفعال	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ

شما با حفظ جدول زیر راحت‌تر می‌توانید به سوالات پاسخ دهید.

مصدر تَعَلَّمَ:	تَعَلَّمَ	تَعَلَّمْ ✓	تعلیم
ماضی يُحَاوَلُ:	حَاوَلَ ✓	حَوَّلْ	تحاوَلْ
امر تُرْسَلُ:	أَرْسَلْ	أَرْسَلْ	أَرْسَلْ ✓

### بیشتر بدانیم

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها فقط از سه حرف اصلی است، ثلاثی مجرد گویند. فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف اصلی است، ثلاثی مزید گویند. ثلاثی مجرد وزن خاصی ندارند ولی ثلاثی مزیدها وزن خاص دارند.

مهمترین وزن‌های ثلاثی مزید عبارتند از:

إفعال ، تفعیل ، مفاعلة ، تفاعل ، تفعل ، افتعال ، انفعال ، استفعال

<sup>۳۱</sup> دانش آموز باید وزن‌های این جدول را حفظ کند.

باب‌های افعال ، تفعیل ، مفاعلة : دارای ۱ حرف زائد.

باب‌های تفاعل ، تَفَعَّل ، اِنْفَعَال و اِفْتَعَال : دارای ۲ حرف زائد.

باب اِسْتِفْعَال: دارای ۳ حرف زائد است.

الف) بررسی باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها علاوه به حروف اصلی یک حرف زائد دارند (بزیادة حرف واحد): افعال

و تفعیل و مفاعلة

۱ و ۲- باب افعال و تفعیل: این باب معمولاً برای متعدی کردن افعال لازم به کار می‌روند.

نَزَلَ (= نازل شد) فعل لازم

أَنْزَلَ - نَزَّلَ (= نازل کرد) فعل متعدی

فعل لازم ( فعلی که با فاعل معنایش تمام شود؛ همان فعل ناگذرا در زبان فارسی را گویند).

فعل متعدی (فعلی که علاوه بر فاعل، مفعول می‌خواهد تا معنایش تمام شود؛ همان فعل گذرا در زبان فارسی را گویند).

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ القدر، ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ الفرقان:۱

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

✓ فرق أَنْزَلَ و نَزَّلَ :

أَنْزَلَ: (یکباره) نازل کرد / نَزَّلَ: (به تدریج) نازل کرد

قرآن، یکبار بصورت یکجا بر پیامبر نازل شده است و بار دیگر به صورت تدریجی که مردم از آن آگاه شده‌اند. (در زبان عربی، «انزال» برای نزول دفعی و «تنزیل»

برای نزول تدریجی بکار می‌رود.) تفسیر نور، محسن قرآنی، جلد ۴، صفحه ۵۲۶

✓ همزه امر باب افعال بر وزن أَفْعَل، همیشه مفتوح و مقطوع است.

۳- باب مُفَاعَلَة: این باب برای مشارکت به کار می‌رود، مشارکتی یکطرفه به نحوی که یکی فاعل و دیگری مفعول باشد.

كَتَبَ عَلَيَّ كِتَابًا. (=علی نامه‌ای را نوشت.)

كَاتَبَ عَلَيَّ صَدِيقَهُ. (=علی با دوستش نامه نگاری کرد.)

ب) باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها علاوه به حروف اصلی دو حرف زائد دارند (بزیادة حرفین):

تَفَعَّلَ، تَفَاعَّلَ، اِنْفَعَال، اِفْتَعَال

✓ سه باب تَفَعَّلَ ، اِفْتَعَال و اِنْفَعَال برای مطاوعه به کار می‌روند؛ یعنی زمانی که ما چیزی را از کسی بخواهیم و او قبول کند یا بخواهیم تأثیری را در چیزی بگذاریم و آن تأثیر پذیرفته شده باشد.

۴ - باب تَفَعَّلَ: این باب معمولاً برای مطاوعه (اثرپذیری) به کار می‌رود .

أَدَّبْتُ الْوَلَدَ فَتَأَدَّبَ. کودک را ادب کردم، پس با ادب شد.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْأِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ. یکپارچگی امت اسلامی در شکل‌های زیادی جلوه‌گر می‌شود.

✓ این باب گاهی به صورت لازم، و گاهی متعدی استفاده می‌شود.

- ۵- باب تَفَاعَلَ : این باب نیز برای مشارکت دو طرفه به کار می‌رود .  
تَكَاتَبَ عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ = علی و محمد با یکدیگر نامه نگاری کردند .  
علی و محمد هر دو در نامه نگاری کردن مشارکت دارند و هر دو کننده کار هستند.  
\*علی فاعل و مرفوع است و محمد معطوف و مرفوع به تبعیت از فاعل.

### باب تَفَعَّلَ وَ تَفَاعَلَ:

☑ دقت کنید که ماضی این باب با "ت" شروع میشود، پس بسیار دقت کنید که در تله نیفتید.

تَفَعَّلَ (ماضی) / يَتَفَعَّلُ (مضارع) / تَفَعَّلْ (امر)

تَفَاعَلَ (ماضی) / يَتَفَاعَلُ (مضارع) / تَفَاعَلْ (امر)

☑ بعضی صیغه های فعل ماضی باب تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ کاملاً با فعل امر یکسان هستند.

فعل ماضی: هُمَا تَفَعَّلَا - هُم تَفَعَّلُوا - هُنَّ تَفَعَّلْنَ

فعل امر: أَنْتُمَا تَفَعَّلَا - أَنْتُمْ تَفَعَّلُوا - أَنْتُنَّ تَفَعَّلْنَ

فعل ماضی: هُمَا تَفَاعَلَا - هُم تَفَاعَلُوا - هُنَّ تَفَاعَلْنَ

فعل امر: أَنْتُمَا تَفَاعَلَا - أَنْتُمْ تَفَاعَلُوا - أَنْتُنَّ تَفَاعَلْنَ

برای ترجمه و تشخیص آنها، فقط و فقط از سیاق جمله و ضمایر موجود در جمله پی به ماضی و امر بودن آنها می‌بریم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾ <sup>تبارک ۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید ، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید .

☑ گاهی تای مضارع برای سهولت تلفظ حذف می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

الْحَجُرَات ۱۳

ای مردم ، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم ، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید ، خداوند دانای آگاه است.

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ <sup>قدو ۳</sup>

در این شب فرشتگان و روح به اذن خدا از هر فرمان نازل می‌شوند.

﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾ <sup>آل عمران ۱۰۴</sup>

همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و پراکنده نشوید.

«أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ . . . وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»

دین را به پا دارید و در آن تفرقه نکنید، . . . و از آن جدا نشدند مگر بعد از آن که علم به حقانیت آن پیدا کردند به خاطر

ستمکاری بین خویش. <sup>نهج البلاغه، فیض الاسلام نامه ۵۴</sup>

۶- باب اِنْفَعَلَ: این باب هم برای مطاوعه (اثرپذیری) به کار می‌رود و بصورت لازم استفاده می‌شود.

عَلِقْتُ الْبَابَ فَانْعَلَقَ. در را بستم پس بسته شد.

۷- باب اِفْتَعَلَ: این باب نیز معمولاً برای مطاوعه و اثرپذیری به کار می‌رود.



﴿ وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ... ﴾ نیکی و بدی برابر نمی‌شوند. (ماضی: اِسْتَوَى-مضارع: يَسْتَوِي-امر: اِسْتَوِ من باب افتعال)  
 فعل های مشابه: با دقت در حرکات و ضمائر می‌توان پی به نوع فعل برده و در نتیجه درست ترجمه کنیم.

فعل مضارع: اَنَا أَحْتَرِمُ (من احترام می‌گذارم)  
 فعل امر: اِحْتَرِمِ أَنْتَ (تو احترام بگذار)، اِحْتَرِمَا أَنْتُمَا، اِحْتَرِمُوا أَنْتُمْ (شما احترام بگذارید)  
 فعل ماضی: هُوَ اِحْتَرَمَ (او احترام گذاشت)، هُمَا اِحْتَرَمَا، هُمْ اِحْتَرَمُوا (آنها احترام گذاشتند)

برای تشخیص دو باب افتعال و انفعال:

اگر حرف دوم نون، جزو حروف اصلی باشد و حرف سوم (ت) باشد باب افتعال است (انتظار، انتشار، انتصار، انتصاب، انتباه، انتقال، انتخاب، انتحار، انتقاد، انتقام  
 اما «انبساط، انجماد، انسداد، انهدام، انقلاب، انحراف، انطلاق» از باب انفعال هستند و نون در آنها حرف زائد است.  
 نکته: «إنتاج» مصدر من باب إفعال است. (راه تشخیص: املاي همزه، وزن و تعداد حروف کمک کننده است)

ج) بررسی بابی که اولین صیغه ماضی آن دارای سه حرف زائد هست (بزیاده ثلاثه أحرف):

۸- باب استفعال برای طلب و درخواست به کار می‌رود.  
 مانند: اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ. از خدا آمرزش خواستم.

که اِحْتَرِمُ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

ماضی	تَعَامَلَ: داد و ستد کرد	مضارع	يَتَعَامَلُ: داد و ستد می‌کند
امر	تَعَامَلْ: داد و ستد کن	مصدر	تَعَامُلٌ: داد و ستد کردن
ماضی	عَلَّمَ: یاد داد	مضارع	يُعَلِّمُ: یاد می‌دهد
امر	عَلِّمْ: یاد بده	مصدر	تَعْلِيمٌ: یاد دادن
ماضی	كَاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	مضارع	يُكَاتِبُ: نامه‌نگاری می‌کند
امر	كَاتِبْ: نامه‌نگاری کن	مصدر	مُكَاتَبَةٌ: نامه‌نگاری کردن
ماضی	أَجْلَسَ: نشاند	مضارع	يُجْلِسُ: می‌نشاند
امر	أَجْلِسْ: بنشان	مصدر	إِجْلَاسٌ: نشاندن (یا گردهمایی)



□ در گروه‌های دو نفره، شبیه‌گفت‌وگویی زیر را اجرا کنید.

### حوار برگرد

۱. في صلاة التفتيش بالجمارك ۲

در سالن بازرسی در گمرک

◆ شُرْطِي الْجَمَارِكِ (پلیس گمرک)	◆ الزَّائِرَةُ. (خانم زائر)
اجلبي هذه الحقيبة إلى هنا . - این چمدان را به اینجا بیاور.	علی عیني، یا أخي، ولكن ما هي المشكلة؟ - به روی چشمم برادر، اما مشکل چیست؟
تفتيش بسيط . بازرسی ساده	لا بأس . - اشکالی ندارد.
عفوًا! لمن هذه الحقيبة؟ - ببخشید این چمدان مال کیست؟	لأسرتي. - متعلق به خانواده ام (مال خانواده ام)
افتحها من فضلك ۳ . - لطفاً باز کن.	تفضل، حقيبتی مفتوحة للتفتيش. - بفرما چمدانم برای بازرسی باز است.
ماذا في الحقيبة؟ - چه چیزی در چمدان است؟	فرشاة الأسنان و المعجون و المنشفة و الملابس... - مسواک ، خمیر دندان، حوله و پوشیدنی‌ها (لباس‌ها)
ما هذا الكتاب؟ - این کتاب چیست؟	ليس كتابًا؛ بل دفتر الذكريات ۴ . - کتاب نیست؛ دفتر خاطرات است.
ما هذه الحبوب؟ - این قرص‌ها چیست؟	حبوب مهدئة، عندي صداع . - قرصهای آرام بخش هستند، سر درد دارم.
هذه ، غير مسموم ۵ . - این غیرمجاز است (ممنوع است).	ولكن أنا بحاجة إليها جدًا . - اما من به آنها خیلی احتیاج دارم.
لا بأس . - اشکالی ندارد.	شكرًا . - متشکرم.
اجمعها و اذهب . - جمعشان کن و برو.	في أمان الله . - در امان خدا (خداحافظ)

۱- صالة: = قاعة: سالن ۲- جمارك: گمرک (جمارك: ج جمرک) ۳- من فضلك = رجاء: لطفًا ۴- ذكريات: خاطرات ۵- مسموح = ممنوع

## ☀ برای مطالعه در خانه ☀

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، شناسه است.

مثال هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَارَفْتُ	عَلَّمْتُ	شَاهَدْتُ	أَرْسَلْتُ
«ت» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:			
تَعَارَفْتُمْ	عَلَّمْتُمْ	شَاهَدْتُمْ	أَرْسَلْتُمْ
«ت» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادی)؛ مانند:			
تَعَارَفَ	عَلَّمَ	شَاهَدَ	أَرْسَلَ
«ـ» در «فَعَلَ» (انجام داد)؛ مانند:			
تَعَارَفْنَا	عَلَّمْنَا	شَاهَدْنَا	أَرْسَلْنَا
«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:			
تَعَارَفْتُمْ	عَلَّمْتُمْ	شَاهَدْتُمْ	أَرْسَلْتُمْ
«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:			
تَعَارَفُوا	عَلَّمُوا	شَاهَدُوا	أَرْسَلُوا
«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند)؛ مانند:			

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَصَادَمَ: تصادف کرد	تَصَادَمُوا: ... تصادف کردند..
حَرَكَ: حرکت داد	حَرَكْتُمْ: ... حرکت دادید....
سَافَرَ: سفر کرد	سَافَرْنَا: ... سفر کردیم.....
أَحْسَنَ: نیکی کرد	أَحْسَنْتُمْ: ... نیکی کردید.....

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند:	أَتَعَارَفُ	أَعَلِّمُ	أُشَاهِدُ	أُرْسِلُ
«تَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند:	تَتَعَارَفُ	تُعَلِّمُ	تُشَاهِدُ	تُرْسِلُ
«يَ» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند:	يَتَعَارَفُ	يُعَلِّمُ	يُشَاهِدُ	يُرْسِلُ
«نَ» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند:	نَتَعَارَفُ	نُعَلِّمُ	نُشَاهِدُ	نُرْسِلُ
«تَ» + «ریشه» + «وَن» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:	تَتَعَارَفُونَ	تُعَلِّمُونَ	تُشَاهِدُونَ	تُرْسِلُونَ
«يَ» + «ریشه» + «وَن» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:	يَتَعَارَفُونَ	يُعَلِّمُونَ	يُشَاهِدُونَ	يُرْسِلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

یَعْوِضُ: جبران می کند	يُعَوِّضُونَ: ...جبران می کنند...
يُعَامِلُ: رفتار می کند	تُعَامِلُونَ: رفتار می کنید.....
يُخْرِجُ: خارج می کند	يُخْرِجُونَ: ...خارج می کنند...
تَبَادَلُ: داد و ستد کرد	تَتَبَادَلُونَ: ...داد و ستد می کنی

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، شناسه هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده اید.

یادآوری شناسه های فعل امر:

« اِذْهَبْ » در « اِفْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَّلْ، فاعِلْ، اَفْعَلْ » مانند:	اِذْهَبْ	تَشَابَهْ	فَرَّخْ	جَالِسْ	اُخْرِجْ
« يِ » در « اِفْعَلِي، تَفَاعَلِي، فَعَّلِي، فاعِلِي، اَفْعَلِي » مانند:	اِذْهَبِي	تَشَابَهِي	اِكْتَسَبِي	جَالِسِي	اُخْرِجِي
« و » در « اِفْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فاعِلُوا، اَفْعَلُوا » مانند:	اِذْهَبُوا	تَشَابَهُوا	اِكْتَسَبُوا	جَالِسُوا	اُخْرِجُوا
« نَ » در « اِفْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فاعِلْنَ، اَفْعَلْنَ » مانند:	اِذْهَبْنَ	تَشَابَهْنَ	اِكْتَسَبْنَ	جَالِسْنَ	اُخْرِجْنَ
« ا » در « اِفْعَلَا، تَفَاعَلَا، فَعَّلَا، فاعِلَا، اَفْعَلَا » مانند:	اِذْهَبَا	تَشَابَهَا	اِكْتَسَبَا	جَالِسَا	اُخْرِجَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمُونَ: سلام می کنید	سَلِّمُوا: ..... سلام کنید
تَتَعَارَفْنَ: آشنا می شوید	تَعَارَفْنَ: ..... آشنا شوید
تُشَارِكَانَ: شرکت می کنید	شَارِكَا: ..... شرکت کنید
تُحْسِنِينَ: نیکی می کنی	أَحْسِنِي: ..... نیکی کن

## کتاب التمارین برگرد

### ● التمرین الأول: أئی کلمة من کلمات المعجم، تناسب التوضیحات التالية؟

۱- رئیس البلاد، الذي يأمر المسؤولين و ينصحهم لإداء واجباتهم. (ع) ( قائد : رهبر )  
رئیس کشور، کسی است که به مسئولین دستور می دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می کند.

۲- تعرّف البعض على البعض الآخر. (ع) (تعارف: با یکدیگر آشنا شدن )  
شناختن یکدیگر

۳- الذي يعمل لمصلحة العدو. (ع) (عمیل: مزدور )  
کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند.

۴- جزء واحد من خمسة. (ع) (خمس: یک پنجم )  
یک جزء از پنج

### ● التمرین الثاني: اجعل في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة»

- |            |                                       |
|------------|---------------------------------------|
| ۱- ذاك     | ④ وجع في الرأس تختلف أنواعه و أسبابه. |
| ۲- الفرشاة | ⑤ أكبر من البحر كثيراً.               |
| ۳- البقعة  | ② أداة لتنظيف الأسنان.                |
| ۴- الصداع  | ③ قطعة من الأرض.                      |
| ۵- المحيط  |                                       |

۱- ذاك: اضافی است.

۲- الفرشاة: أداة لتنظيف الأسنان.  
(مسواک: وسیله ای برای تمییز کردن دندان هاست.)

۳- البقعة: قطعة من الأرض.  
(بقعه: یک قطعه زمین است )

۴- الصداع: وجع في الرأس تختلف أنواعه و أسبابه.  
( سردرد: دردی در سر که انواع و دلایلش فرق دارد.)

۵- المحيط: أكبر من البحر كثيراً.  
(اقیانوس: خیلی بزرگ تر از دریاست. )



● التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

ذِكْرِيَاتٍ / سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / فَائِمَةٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

- ۱- ..... جَوَّالٌ تَفْرُعُ بِطَارِيئَتِهِ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.  
 ۲- زُمَّلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدٌّ .....  
 ۳- كَتَبْتُ ..... السَّفْرَةَ الْعِلْمِيَّةَ.  
 ۴- لَا تَعْبُدُوا ..... اللَّهَ أَحَدًا.

۱- (لَدَيَّ) جَوَّالٌ تَفْرُعُ بِطَارِيئَتِهِ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.  
 تلفن همراهی دارم که باطریش در نصف روز خالی می شود.

۲- زُمَّلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدٌّ (سَوَاءٍ)  
 همکلاسی‌هایم در درس یکسان هستند.

۳- كَتَبْتُ (ذِكْرِيَاتٍ) السَّفْرَةَ الْعِلْمِيَّةَ.  
 خاطرات سفر علمی را نوشتم.

۴- لَا تَعْبُدُوا (مِنْ دُونِ) اللَّهَ أَحَدًا.  
 کسی را به جای خدا نپرستید.

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرَجِّمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ...)

۱- ... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَيَّ ثَلَاثَ مَرَاجِلٍ؟  
 زرافه در یک روز فقط کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله می خوابد؟



۲- ... مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟  
 مقبره «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگ‌ترین مقبره های جهان است؟



۳- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً؟  
 چین اولین کشور در جهان است که پول‌های کاغذی را به کار گرفت؟



۴- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقْفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟  
 اسب می‌تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟



۵- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟  
 بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟



☀️ نُوْرُ السَّمَاءِ ☀️ ● التَّمْرِيْنُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا.

- ۱- ﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ البقرة: ۲۲  
و از آسمان آبی را فر فرستاد و بدان از میوه‌ها رزق و روزی برای شما بیرون آورد.
- ۲- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ البقرة: ۲۰۷  
خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آنها را از تاریکی‌ها به روشنی در آورد.
- ۳- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غافر: ۵۰  
پس صبر کن (شکیبا باش) که وعده خدا حق است و برای گناه خود آمرزش بخواه.
- ۴- ﴿... وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ...﴾ آل عمران: ۱۶۴  
و به آنها کتاب و حکمت را یاد می‌دهد.
- ۵- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الإسراء: ۱۰۵  
و به حق آن را نازل کردیم (فر فرستادیم) و به حق نازل شد .
- ۶- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ۳۰  
گفت من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.
- ۷- أَنْزَلَ، أَخْرَجَ ﴿ فعل ماضی  
۸- آمَنُوا ﴿ فعل ماضی / يُخْرِجُ ﴿ فعل مضارع  
۹- إِصْبِرْ، اسْتَغْفِرْ ﴿ فعل امر  
۱۰- يُعَلِّمُ ﴿ فعل مضارع  
۱۱- أَنْزَلْنَا، نَزَّلَ ﴿ فعل ماضی  
۱۲- قَالَ ﴿ فعل ماضی / أَعْلَمَ ﴿ فعل مضارع / لَا تَعْلَمُونَ ﴿ فعل مضارع منفی

● التَّمْرِيْنُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيْحَ.

- ۱- الماضی مِنْ «يُحَاوِلُ»:  
 تَحْوَلُ : جابجاشد ، انتقال یافت  
 حَوَّلَ : تغییر داد  
 حَاوَلَ : تلاش کرد
- ۲- المضارع مِنْ «حَدَّرَ»:  
 يُحَادِثُ : زنهار می‌دهد  
 يَحْدَرُ : دوری می‌کند  
 يُحَدِّثُ : هشدار می‌دهد
- ۳- المصدر مِنْ «تَقَاعَدَ»:  
 تَقَاعَدُ : بازنشستگی  
 تَقَعِدُ : ضابطه‌مند کردن  
 إِقْعَادُ : وادار به نشستن کردن
- ۴- الأمر مِنْ «تُرْسَلُ»:  
 أُرْسَلُ : بفرست  
 أُرْسِلُ : می‌فرستم  
 أُرْسَلُ : فرستاد
- ۵- النهی مِنْ «تَقَبَّلُوا»:  
 لَا تَقْبَلُوا : روبرو نشوید  
 لَا تَقْبَلُوا : نپذیرید، قبول نکنید  
 لَا تَقْبَلُوا : نبوسید
- ۶- الْمُضَارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ»:  
 يُعَلِّمُ : آموزش می‌دهد  
 يَتَعَلَّمُ : می‌آموزد  
 يَعْلَمُ : می‌داند
- ۷- الْمَصْدَرُ مِنْ «اعْتَرَفَ»:  
 تَعَرَّفَ (تَعَرَّفَ عَلَيَّ: آشنا شد)  
 تَعَارَفَ : یکدیگر را شناختند  
 اعْتَرَفَ : اعتراف کردن

## ✪ أنوار القرآن ✪ برگرد

عَيْنَ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّنَةِ فِي الْآيَاتِ.

۱- ﴿وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ الفرقان: ۶۳  
و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ۱۱۴  
بی گمان خوبی‌ها، پدی‌ها را از میان می‌برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ الأعراف: ۴۳ • هدانا = هدی + نا / هدی : راهنمایی کرد  
ستایش از آن خدایی است که ما را به این [نعمت‌ها] رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ القصص: ۲۴  
پروردگرم، من بی‌گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرعد: ۲  
آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گردد.

۶- ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ القصص: ۷۷  
نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است.

## 📖 أَلْبَحَثُ الْعِلْمِيُّ 📖 برگرد

إِبْحَثْ عَن آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. ( فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ ).  
أَرْسَلْنَا . اِنْتَظَرُوا . اسْتَغْفِرُوا . اِنْبَعَثَ . تَفَرَّقَ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۚ ابراهيم ۴

قُلْ اانتظروا انا منتظرون انعام آیه ۱۵۸

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ توبه ۸۰

كَذَبَتْ مَوْدُ يَطْعُوها ۱ اذ ابعث اشقاها ۱۲ شمس: ۱۲۹۱

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ بینه ۴

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى مائده ۲

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ يس: ۶۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ  
يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ...